



## توسعه پایدار کشاورزی، تحقق یک رویا

گیرد تا بتواند برای فقرزدایی و امنیت غذایی موثر واقع شود. رشد کشاورزی، فقرزدایی و محیط زیست پایدار از هدف‌هایی به شمار می‌آید که ممکن است در بیشتر کشورها مانند یکدیگر نباشند و همچنین نباید انتظار داشت که همزمان بتوان به این سه مهم دست یافت، زیرا اغلب دستیابی به این هدف‌ها مستلزم اوضاع و شرایط اجتماعی-اقتصادی و زیست-بومی خاص است.

برای دستیابی به سه هدف پیشگفته، باید توسعه کشاورزی بر اساس اصول زیر باشد:

۱- وجود زمین‌های کشاورزی در قطعات کوچک و متوسط

۲- بازار مناسب برای فروش محصولات

۳- مشارکت و تمرکززدایی

این گونه روند رشد می‌تواند قیمت مواد غذایی را کاهش دهد و در همین حال نیز سبب افزایش درآمد مزرعه، پیدایش فرصت‌های شغلی و افزایش موثر تقاضا برای کالاهای غیر خوراکی و خدمات به ویژه در شهرهای کوچک و مراکز خرید شود. با کاهش فقر و افزایش تنوع اقتصادی در مناطق روستایی، تقاضا برای تامین معاش از منابع طبیعی آسان‌تر می‌شود.

۵ عامل مهم در خصوص رشد کشاورزی

در موقعیت کنونی نیازهای اساسی که برای توسعه کشاورزی شناخته شده‌اند نباید برای پایداری محیط زیست فراموش شوند زیرا بسیار مهم هستند. در اینجا به طور خلاصه به شرح آن می‌پردازیم:

اگر به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی برگردیم متوجه خواهیم شد که توجیحات اولیه سیاستگذاران و کارشناسان توسعه

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در طی دهه‌های اخیر به نرخ رشد در خور توجهی در کشاورزی دست یافته‌اند. برای نمونه قاره آسیا که در دهه‌ی ۱۹۶۰ با گرسنگی شدیدی تهدید شد، اکنون در مورد محصولات غذایی به مرحله‌ی خود بسندگی رسیده است. و این در حالی است که جمعیت این قاره، در همین مدت بیش از دو برابر رقم پیشین، افزایش نشان می‌دهد. ولی با وجود چنین دستاوردی هنوز مشکلات اساسی به ویژه برای سال‌های آینده وجود دارد. گرسنگی و سوء تغذیه همچنان در بسیاری از کشورهای این قاره به چشم می‌خورد و دلیل آن هم اغلب به ناتوان و نامناسب بودن الگوهای رشد کشاورزی در گذشته باز می‌گردد، به طوری که این کشورها هنوز نتوانسته‌اند از رشد کشاورزی به سود قشر جامعه خود به اندازه لازم و کافی بهره‌برداری کنند. انتظاراتی که در اثر افزایش تقاضا در کشاورزی نیز به وجود آمده مربوط به رشد جمعیت و بالا رفتن درآمد سرانه است که این امر مستلزم افزایش بهره‌وری در کشاورزی است. گرچه شواهد نشان می‌دهد که بازده رشد در حال کاهش و همچنین چشم‌انداز آینده توسعه صادرات و اراضی آبی در حال محدود شدن است، ولی مشکلات محیط زیست نیز در رابطه با کشاورزی از مهم‌ترین مسائلی به شمار می‌آید که آینده‌ی بهره‌برداری کشاورزی را تهدید می‌کند. البته این گونه مسایل در سطح ملی و بین‌المللی مطرح است که در صورت بی‌توجهی به آن (محیط زیست) می‌تواند تهدید کننده باشد. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه تداوم رشد کشاورزی نیازی مبرم به شما می‌آید و نمی‌توان آن را به عنوان حق انتخاب برای آنها در نظر گرفت. البته این روند رشد نباید منابع طبیعی را به مخاطره اندازد و باید به شیوه درست انجام

کشاورزی در قطعات کوچک و متوسط در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری عمومی، پژوهش‌های کشاورزی، ترویج بازاریابی، اعتبارات و ارایه نهاده‌ها حق تقدم داشته باشند.

۲) اجرای سیاست‌های اصلاحات اراضی در جایی که لازم و ضروری است. اینگونه اصلاحات، به ویژه در برنامه‌های توزیع دوباره مربوط به بازار و اندازه زمین‌های حاصلخیز در سطح گسترده ممکن است مورد نیاز باشد.

۳) سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، همچون: آموزش روستایی، آب سالم، بهداشت، تنظیم خانواده و برنامه‌های تغذیه‌ای برای بهبود بهره‌وری فقرا و افزایش فرصت‌های شغلی.

۴) اطمینان یافتن از این که آموزش و ترویج کشاورزی، همچنین اعتبارات و برنامه‌های دولتی و شغل‌های کوچک در اختیار زنان روستایی قرار گیرد. زیرا آنها نقش کلیدی در فعالیت‌های کشاورزی و جنبی دارند.

۵) ایجاد امکان برای تمامی سهامداران روستایی در مشارکت و حق تقدم برای سرمایه‌گذاری‌های عمومی که به نوعی انتظار دارند که از کمک‌های مالی بهره برده و نیز بهره برسانند.

۶) تشویق فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی روستایی، این امر نه تنها منبع مهمی از درآمد و اشتغال در مناطق روستایی و به ویژه برای فقر است، بلکه درآمدی در خور توجه و نیز ضریب افزایش اشتغال برای رشد کشاورزی شمرده می‌شود.

### تحولات زیست محیطی برای توسعه پایدار کشاورزی

اولویت‌های اولیه توسعه پایدار که در سال ۱۹۹۰ میلادی انجام گرفت نتوانست پاسخگوی فقرزدایی، افزایش امنیت غذایی و تداوم رشد کشاورزی باشد. درست است که هم اکنون کشاورزی مستلزم به کارگیری تمامی راه‌هایی است که نتوانسته به طور کامل مسایل و مشکلات محیطی را کاهش دهد ولی وجود عوامل یاد شده، برای

کشاورزی در رابطه با رشد کشاورزی بوده است و تجربیاتی را که مادر دهه‌های یاد شده از این رشد به دست آورده‌ایم می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ - نوآوری: در این مرحله پژوهش‌های بسیار وسیع انجام گرفته و همچنین نظام‌های ترویج نیز هم به صورت عمومی و هم خصوصی به اجرا در آمده است تا بتوانند بهره‌برداری فن‌آوری (ماشین‌افزار) را افزایش دهند.

۲ - تجهیزات: ویژه داشتن راه‌ها و سیستم‌های مناسب حمل و نقل

۳ - داده‌ها: نظام موثر برای خدمات کشاورزی به ویژه مزارع پیشرفته فرآوری، کشف آبی و اعتبارات

۴ - نمادها: وجود بازارهای آزاد و دسترسی کشاورزی به آنها، تا بتوانند به بازارهای محلی و بین‌المللی دست یابند و همچنین دستیابی به نهاده‌های عمومی که خدمات کلیدی را ارایه نمی‌دهند. زیرا کشاورزان نمی‌توانند به بخش خصوصی راه پیدا کنند.

۵ - محرکه‌ها (انگیزه‌ها): عوامل کلان، بازرگانی و سیاست‌های بخشی که نمی‌توانند محدودیت‌هایی برای کشاورزان پدید آورند.

توسعه کشاورزی، کاهش فقر

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی سیاستگذاران و پژوهشگران توسعه شروع به پدید آوردن راه‌هایی جهت استفاده از توسعه کشاورزی برای فقرزدایی و امنیت غذایی و همچنین رشد بیشتر کردند. درس‌هایی را که از این مقطع گرفته می‌شود می‌توان در ۶ بخش خلاصه کرد:

۱) بهبود توسعه کشاورزی به صورت گسترده در کشورهای در حال توسعه، که جهت هدف قرار دادن خانوار کشاورزی برای بازدهی است. البته می‌باید زمین‌های



منابع طبیعی را کنترل و سازماندهی کنند (همچون زراعت و جنگل‌بانی) توسعه تصمیم‌های مدیریتی برای بهره‌بردار یا گروهی از بهره‌برداران از منابع در جایی که امکان داشته باشد. همچنین الزام انتقال تامین مالکیت و حق استفاده.

۷) تصحیح قیمت‌های کاذب تا بتوان از نهاده‌های نوین برای کشاورزی پیشرفته استفاده کرد. این بدان معناست که یارانه‌ها را از روی کودهای شیمیایی و سموم برداریم و نیز تمام هزینه‌های آب زراعی و برق را دریافت کنیم. البته ممکن است لازم باشد یارانه‌ها در مناطق محروم وجود داشته باشند یا در مناطقی که بهره‌برداران و حاصلخیزی خاک خیلی پایین است.

۸) تاسیس نظام‌هایی در زمینه منابع، تا بتوانیم تغییرات را در منابع ارسالی شناسایی کنیم و کشاورزان را در خصوص تاثیر روش‌های به کار گرفته شده از سوی آنها بر روی محیط زیست آگاه‌سازیم و نیز بعضی از مناطق ویژه‌را که ارزش محیط زیستی دارند حفظ کنیم.

### نتیجه‌گیری

الگوهای رشد کشاورزی بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر مواقع تاثیر بسیار منفی بر محیط زیست داشته‌اند. حتی با اینکه این الگوها توانسته‌اند نیازهای غذایی را در سطح ملی و بین‌المللی پاسخ دهند. و نیز سهم فراوانی در ارزآوری داشته باشند ولی همچنان فقر و ناامنی غذایی را در میان مناطق محروم روستایی پدید آورده‌اند.

البته یادآوری می‌شود که این فقر و تخریب محیط زیست به طور کامل نتیجه رشد کشاورزی نیست بلکه این آثار منفی بازتابی از محرک‌های نامناسب اقتصادی برای کنترل نهاده‌های نوین در نظام‌های متمرکز کشاورزی و سرمایه‌گذاری اندک در بسیاری از مناطق محروم پر جمعیت، نامناسب بودن اوضاع اجتماعی و فقر و نیز نظام‌های حکومتی که بیشتر برای روستاییان ایجاد مانع می‌کند، است. با اجرای سیاست‌های مناسب دولت، سرمایه‌گذاری توسعه موسسه‌های کشاورزی و پژوهش‌های کشاورزی دیگر هیچ دلیلی وجود ندارد که توسعه کشاورزی نتواند در یک زمان به رشد کشاورزی، فقرزدایی و پایداری محیط زیست کمک کند.

همچنین با اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از پایین و اولویت دادن به فقرا می‌توان هم محیط زیست پایدار و سالمی داشت و هم با افزایش تولید و بهره‌وری بخش کشاورزی و فقرزدایی و نهایتاً توسعه روستایی روبرو باشیم.

توسعه پایدار کشاورزی ضروری است البته این موارد هنوز به طور کامل از طریق تجربیات توسعه به کار گرفته نشده و در حال بررسی است. در هر حال این فرایند در مرحله بررسی و تحقیق است.

۱) در توسعه کشاورزی به مناطق محروم باید اولویت بیشتری داد. حتی اگر این مناطق دارای منابع غنی نباشند. زیرا رشد سریع جمعیت و فرصت‌های محدود در زمینه فعالیت غیر کشاورزی، نیازهای ذاتی جمعیت در حال رشد بسیاری از مناطق محروم را طی چند دهه آینده فراهم نمی‌کند، بنابراین اگر ما این کار را انجام ندهیم، نتیجه‌اش مهاجرت افراد به خارج از روستا خواهد بود که این امر مسایل و مشکلاتی را برای مناطق شهری ایجاد خواهد کرد. در ضمن این وضعیت موقعیت و شرایط فقر را بدتر می‌کند و همچنین سبب تخریب مناطق کوهستانی، جنگل و خاک می‌شود. بنابراین توسعه مناطق محروم موجب افزایش منابع برای توسعه کشاورزی خواهد بود ولی نه منابعی که برای کشاورزی آرمانی‌اند، بلکه تنها در حد توسعه منابعی که در مناطق محروم قرار دارند.

۲) به پژوهش‌های کشاورزی بیشتر توجه کنیم تا بتوانیم به سیمای فن‌آوری پایدار توصیه شده دست یابیم و همچنین مدیریت منابع طبیعی را وسعت بخشیم و نیز با توجه به منابع آبی و چشم‌انداز طبیعی، مشکلات منابع مناطق فقیر را از بین ببریم.

۳) دادن اعتماد و اطمینان به کشاورزان برای حق مالکیت در منابع خودشان. البته این بدان معنا نیست که دولت به طور حتم باید در برنامه‌های ثبت اراضی، سرمایه‌گذاری کند. زیرا در بسیاری موارد نظام محلی تقسیم زمین هنوز فعال است و آنها بهتر توانایی دارند تا نیازهای خود را شناسایی و حل کنند.

۴) خصوصی‌سازی منابع مشترک، یا اگر این امر اجرا شدنی نبود (به سبب وجود برخی از عوامل خارجی و سودهای خارجی و دیگر عوامل، به مدیریت نظام‌های تشکلی یا سازمان‌های عمومی، مردمی و تعاونی بها دهیم.

۵) مشکلات خارجی را از راه بستن مالیات‌هایی بر روی ماشین‌افزار یا ارایه قوانینی که به سازمان‌های محلی قدرت بخشد و یا سبب پیدایش تغییرات مناسب در حق مالکیت شود، باید کاهش داد. البته باید توجه کرد که قیمت بازار همیشه نمی‌تواند مناسب باشد.

۶) توسعه عملکرد موسسه‌های عمومی مرتبط که بتوانند

